



۲۰۲۰/۰۶/۱۵



گیردآورنده : حامد فارانی

خدمات طبی اندیشمندان اسلامیک از نظر بزرگان غرب نسبت به امراض روانی



در اروپا تمام مریضان لاعلاج و بخصوص مریضان روحی در تمام مدت قرون وسطی و تا قرن هجدهم میلادی نه تنها دچار کم مهری بودند بلکه دچار لعن و نفرین نیز می شدند.

امراض روانی و روحی در اروپا که بنام ارواح خبیثه پنداشته می شد، غربی ها معتقد بودند که در شخص مریض خبثات حلول کرده است. اشخاص مبتلاء به خلل دماغ را، که بدون شک اشخاص مظلوم و بی گناه و بی آزار بودند، اگر مرد بودند لباس چند رنگ (زنانه) اورا می پوشانند و به او زنگوله و استخوان پای حیوان می آویختند و بدین مضحکه او را به اهالی محله معرفی کرده و به دست تمسخر و آزار جاهلین محل رهایش می کردند. و اگر زن می بود در تاریکخانه ها شیشک گفته زندانی بود.

در یونان قدیم مریض روحی را به خانواده اش می سپردند و خانواده متعهد می شد که نگذارد از طرف مریض زبانی به کسی وارد آید در حالی که در کشورهای اسلامی مریض روحی را در شفاخانه در بخش اعصاب محافظت و معالجه و مراقبت می کردند. مثلا در بغداد و قاهره مریضان روحی در بخش معالجات اعصاب، تحت مراقبت و رسیدگی متناسب طبای اعصاب بودند و تمام شفاخانه تحت کنترل هفتگی شخص سلطان قرار داشت.

در حالی که در قرن 19 میلادی در اروپا مریضان روحی را در زندان و تحت کنترل پلیس قرار داده و با آنها مثل جنایتکاران رفتار می کردند. در اروپا فقط هسپانیا بود که هنوز از دوران حکومت اسلامی اش، شفاخانه هایی به نام بی گناهان برای مریضان روحی داشت انگلستان در سال 1751 اولین قدم با تردید در طریق تقلید از سیستم تمدن اسلامی، برای رسیدن به مریضان روحی برداشت.

ویل دورانت می گوید: نام سی و چهار شفاخانه را که در این دوران در قلمرو اسلام بر پا بوده است یاد آور می شود.

اولین شفاخانه که از آن خبر داریم در بغداد و به دوران هارون الرشید به وجود آمد سپس در قرن دهم میلادی پنج شفاخانه دیگر ایجاد شد

مورخان ضمن حوادث سال ۳۰۶ هـ ق (۹۱۸ م) از مدیر شفاخانه بغداد سخن می گویند: بزرگ ترین شفاخانه های قلمرو اسلام شفاخانه ای بود که به سال ۸۸ هـ ق (۷۰۶ م) در دمشق بنیاد شد و به سال ۳۶۸ هـ ق (۹۷۸ م) بیست و چهار طبیب در آنجا مشغول خدمت صحی بودند.

شفاخانه ها مهم ترین مکانها تدریس طب بود. هیچ کس حق طبابت نداشت مگر اینکه در امتحانی که برای این منظور ترتیب داده می شد شرکت کند و از دولت اجازه بگیرد

دواساز، سلمانی، و شکسته بند، تابع نظاماتی بودند که دولت برای مراقبت اعمال آنها وضع کرده بود. اسلام در ایجاد شفاخانه های خوب و تهیه لوازم آن نیز پیشاهنگ جهان بود شفاخانه ای که نورالدین محمود به سال 556 هـ ق (۱۱۶۰ م) در دمشق ایجاد کرده بود. سه قرن تمام مریضان را بدون دستمزد علاج می کرد و دوا را رایگان نیز به آنها می داد

به گفته تاریخ نویسان اجاق این شفاخانه 267 سال پیاپی مشتعل بود و خاموش نشد.

ابن جبیر که به سال 580 هـ ق (۱۱۸۵ م) به بغداد رفته بود از دیدار شفاخانه بزرگ عضدی شهر - که همچون قصر های سلطنتی بر ساحل دجله سر برافراشته بود و مریضان را غذا و دوا رایگان می داد - تعجب کرد. در قاهره نیز سلطان قلاوون (به سال ۶۸۴ هـ ق ۱۲۸۵ م) شفاخانه منصور را پی افکند که علی الاطلاق بزرگ ترین شفاخانه قرون وسطی بود. در داخل فضای وسیع محصور و چهار گوش چهار بنا سر بر آورد و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په څير و لولئ

در میان آنها محوطه ای قرار داشت که با صفاها و ایوانها احاطه شده بود و حوضها و جویها آب و هوای آنجا را فریبخش می کردند .

برای مریض های مختلف و مریضان در حال نقاهت بخش های جداگانه داشت همچنین دارای چند آزمایشگاه یک دواخانه عمومی کلینیک هایی برای مریضان عاجل چند اشپزخانه و حمام یک کتابخانه یک نمازخانه و یک سالون سخنرانی داشت به خصوص بحث های دل انگیز برای قسمت مریضان روانی که به شفاخانه پیوسته بود براه می افتاد.

مریضان از زن و مرد غنی و فقیر آزاد و برده در آنجا بدون تبعیض وبدون پرداخت علاج می شدند . به مریضان بهبود یافته هنگام خروج از شفاخانه مبلغی از جانب شفاخانه می دادند تا برای تحصیل قوت لایموت بلا فاصله محتاج کار نباشند. مریضان که به مشکل بی خوابی مبتلا می شدند به موسیقی ملایم و قصه گوین حرفه ای گوش می دادند و احیانا کتابهای تاریخی برای مطالعه دریافت می داشتند . در همه شهر های بزرگ اسلامی برای مراقبت مریضهای روانی شفاخانه های موجود بود.

به راستی بودجه این کار ها از کجا تامین می شد؟ آیا مصارف شفاخانه ها سر به بی نهایت نمی زدند ؟ تنها شفاخانه منصوروی سالانه یک میلیون در هم مصرف داشت

و پاسخ این پرسش منطقی از زبان **زیگرید هونکه** : این مبالغ از درآمد سالانه موقوفات مملکت پرداخت می شد و این معمول بود که با بنای هر شفاخانه به حد کافی نیز موقوفه ها برای مخارجش تعیین می شد. (این سیستم در ذات خود نوع بیمه های صحتی امروزه در جامعه مدد گار بود .)

سر پرستی این زمین های وقفی به دست معتمدین و افراد با رتبه و مؤمن بود و دولت بر این افراد نظارت می کرد مدیر شفاخانه ها معمولاً بعهده یک امیر یا یکی از اشراف نجیب بود که کار اداری و حسابداری را کنترل و رهبری می کرد ولی سلطان به وسیله بازید کردن از این تشکیلات یعنی شفاخانه و موقوفاتش و به وسیله آزمایش و سوال کسب اطلاع می کرد و خود را در جریان قرار می داد و روی اصل کنترل و نظارت پافشاری جدی می کرد **دکتر ماکس میرهوف می نویسد** : از همان اوایل شفاخانه های در نقاط مختلف تاسیس شد و اغلب این شفاخانه در مراکش سوریه و مصر بودند . در قاهره اولین شفاخانه در سال ۸۷۲ میلادی توسط **ابن طولون** تاسیس شد و تا قرن پانزدهم هنوز باقی بود و نیز چندین شفاخانه دیگر پس از آن برپا گردید . در بغداد اولین شفاخانه به امر هارون الرشید در آغاز قرن نهم برپا گردید و پنج شفاخانه دیگر نیز در قرن دهم ساخته شد . در قرن پانزدهم شفاخانه های سیار نیز بوجود آمدند .

تاریخچه های اسلامی راجع به زمان ساختمان و تاسیس این بناها به تفصیل سخن گفته و نه فقط بودجه شفاخانه ها بلکه حقوق داکتران مستخدمین و غیره را نیز ذکر کرده است .

باید دانست که جراحان حاذق برای دانشجویان نطق میکردند و به امتحان آنان می پرداختند و سپس سند به آنها می دادند و دواسازان، دندان سازان و عموم طبیبان تحت نظر طبیب کل بودند از هر طبیبی که می خواست شروع به کار کند امتحان مخصوصی به عمل می آمد و ترتیباتی نیز برای تعلیمات عملی آنها داده می شد.

هر شفاخانه به دو قسمت زنان و مردان – با اغذیه و ادویه مخصوص به خود- تقسیم شده بود . قسمتی مخصوص معالجه زنان و قسمتی دیگر مخصوص مردان بود و اغذیه و ادویه هر یک نیز جدا و مخصوص به خود بود . در بعضی از شفاخانه ها کتابخانه ای نیز غرض مطالعه وجود داشت .

شفاخانه های سیار:

حتی **فیلیپ میگوید** : **صالح ابن علی** وزیر مقتدر نیز به **سنان** دستور داده بود که هیئتی از اطباء را مامور کند که با دوا های لازم در همه جا بگردند و رنجهای مردم را سبک کنند و هم بازدید روزانه زندانها را به عهده طبیبان مؤظف شده گذاشته بودند.

این گونه اقدامات نشانه توجه خردمندان به صحت عمومی جامعه است که در آن روزگار در سایر نقاط دنیا معمول نبوده است. **سنان** از کوششهایی که در راه پیشرفت طب کرد و از توفیقهایی که در اداره شفاخانه بغداد داشت حقا شایسته مقام بلند انسانی شناخته شد.

شفاخانه بغداد نخستین شفاخانه اسلامی بود که رشید ان را در اوایل قرن نهم ساخت و مدتی چندان نگذشت که نزدیک به سی و چهار شفاخانه در جهان اسلام پدید آمد.

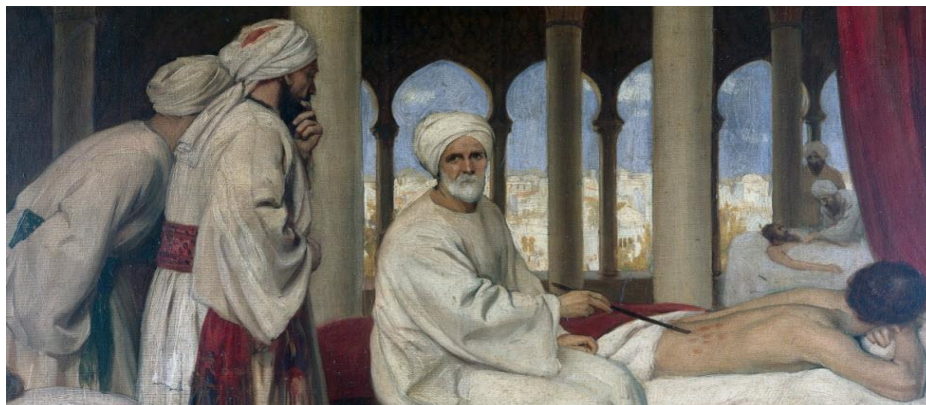
جرجی زیدان میگوید: نخستین شفاخانه اسلامی در سال ۸۸ هجری در دمشق به امر ولید بن عبد الملک اموی تاسیس شد او اطیبی را در آن شفاخانه به کار گماشت و اشخاص مبتلاء به امراض خلل دماغ را در آنجا گرد آورد و برای

اداره آنان بودجه ای تعیین کرد و تا انقراض دولت اموی تنها شفاخانه منحصر به فرد اسلام همین شفاخانه دمشق بود منصور نخستین خلیفه عباسی شفاخانه تاسیس نکرد اما نوانخانه های برای کوران و پیر زنان دایر نمود و شاید منصور یا جانشین او دارالمجانین برای مریضان روانی تاسیس کرد همین که شفاخانه بغداد در سایر شهرها مشهور شد در اغلب نقاط مهم به تقلید از بغداد شفاخانه دایر کردند همان که سایر وسایل تمدن را نیز از بغداد می گرفتند هنوز قرن سوم به پایان نرسیده بود که در مکه ، مدینه و سایر شهرهای اسلامی شفاخانه های جدید دایر شد و در آغاز قرن چهارم ، **مقتدر عباسی** و وزیرانش در ساختن شفاخانه و دایر کردن آن در بغداد و اطراف آن باهم مسابقه شفاخانه سازی برآه انداختند.

البته در سایر ممالک اسلامی مانند : افغانستان کنونی ایران امروزه ، موصل ، شام و اندلس و غیره نیز شفاخانه های در همان ایام تاسیس شد که شرح همه آن در اینجا گنجایش ندارد. **ابن جبیر** ضمن سفرنامه خود که در قرن ششم هجری نگاشته ، مطالب مشروحی از شفاخانه های اسلامی که خود دیده می نویسد : شفاخانه های اسلامی آن روز در کمال نظم و ترتیب اداره می شد و بدون توجه به ملیت ، مذهب و شغل همه مریضان با نهایت دقت معالجه می شدند و هر مرضی ، سالون یا سالونهای مخصوص به خود داشته است طبیبان موظف مریضان را معاینه می کردند و دوا و غذای آنان را تجویز می نمودند هر مرضی که بهبود می یافت مرخص می شد و هر که می مرد ، مخارج **کفن و دفن** او را شفاخانه می داد و در عین حال طب و دوا سازی نیز در همان محل تدریس می شد و شاگردان علاوه بر تحصیل علمی تمرین عملی نیز داشتند. مسلمانان شفاخانه های سیار خود را با شتر و قاطران به این طرف و آن طرف می بردند . از آن جمله در اردو **سلطان محمود بن ملکشاه سلجوقی** شفاخانه ای بود که چهار شتر آن را می کشید و با دوا به هر طرف می رفت. **گوستاو لویون** می گوید : چنانچه معلوم شده شفاخانه های که اعراب (مسلمین) در سابق ساخته اند از نظر اصول نظافت ، بهتر از شفاخانه کنونی ما بوده زیرا آنها خیلی وسیع ساخته شده و آب و هوا در آنها به مقدار زیادی جریان و تازگی داشته است

وقتی از **"زکریای رازی"** تقاضا کردند که بهترین محله را برای احداث یک شفاخانه در بغداد انتخاب کند، او برای انتخاب محل مزبور، طریقه ای جالبی را پیشنهاد کرد که مورد قبول همگان قرار گرفت. بدین ترتیب دستور داد که: در هر محله ای یک قطعه گوشت در هوای آزاد آویزان کنند و در هر جایکه گوشت دیرتر فاسد شد شفاخانه را در همان جا احداث نمایند. (حتم دارم میکرووب شناسان جدید ، مبتنی بر هوای خوب منطقه این پیشنهاد را نیز عملی خواهند کرد)

شفاخانه های مسلمین مانند شفاخانه های کنونی قسمتی از آن مخصوص به مریضان و قسمت دیگر به محصلینی طبی اختصاص داشت تا محصلین از دید و دید با مریضان بیش از آنچه در کتاب می خوانند تجربه عملی حاصل کنند . ولی دانشگاه های قرون وسطی در اروپا جز اندکی از این شیوه در تحصیل علم طب پیروی نکردند . مسلمین برای بعضی از امراض مانند خلل دماغ ؛ شفاخانه های مخصوص ساخته بودند و چنانچه هم اکنون نزد ما معمول است انجمن های خیریه ای داشتند که در روزهای معینی به طور مجانی به طبابت مریضان بی بضاعت می پرداختند و در جاهایی که احداث شفاخانه مقدور نبوده هر چندی یکبار دوا و داکتر بدانجا می فرستادند. آنچه من استنباط کرده ام اطبای عربی (مسلمین) در قرن دهم میلادی بیش از آنچه طب امروز تلفات می دهد تلفاتی پریشان کننده نداشته اند .



د پانو شمیره: له 3تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی